



The Comparative Exegesis of the 159th Verse of Surah an-Nisā' and Its Relation to the Return of Prophet Jesus (PBUH)

Sa'id Tavassoli Khāh* | Ibrāhīm Izad Khāh**

Received: 2020/8/24 | Accepted: 2021/2/11

Abstract

In some narrations about the Age of Reappearance of Imām Mahdi (MAHHR), there has been a mention of the return of Prophet Jesus (PBUH) and his assistance to Imām Mahdi (MAHHR). In this regard, a question is raised on whether the *Noble Qur'an* has also mentioned a word about this subject or not. One of the Qur'anic verses referring to the return of Prophet Jesus (PBUH) is the 159th verse of Surah an-Nisā' saying "There is none among the People of the Book but will surely believe in him before his death; and on the Day of Resurrection, he will be a witness against them." In this article, we deal with the analytical survey of the Sunni and Shi'ite exegeses about this holy verse. Of course, there are some disagreements between the Shi'ite and Sunni commentators on the interpretation of this verse which basically refer to their perception of the pronoun "hā" in "Mawtehi". Some Sunni commentators regard People of the Book as the reference for the pronoun "hā" and maintain that everyone among the People of the Book will believe in Prophet Jesus (PBUH) before his death. However, Shi'ite commentators think that the reference for the above pronoun is Prophet Jesus (PBUH) and hold that this verse refers to his return in the Age of the Reappearance of Imām Mahdi (MAHHR) and the clarification of truth to the People of the Book. By the critical review of the arguments and evidences of both groups, it is concluded that the reference for the pronoun "hā" is Prophet Jesus (PBUH) and the interpretation of this verse indicates the People of the Book will believe after the reappearance of Imām Mahdi (MAHHR) and before the death of Jesus Christ.



Keywords: Return of Prophet Jesus (PBUH), Imām Mahdi (MAHHR), Age of Reappearance, People of the Book, the 159th Verse of Surah an-Nisā', "Will Surely Believe in Him, "Before His Death"

* Ph.D. Student in Teaching Islamic Education, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author) | saeedtavassoli@chmail.ir

** Assistant Professor at the Department of Islamic Education, University of Qom, Qom, Iran | dr_izadkhah@yahoo.com

■ Tavassoli Khāh, S; Izad Khāh, I. (2021) The Comparative Exegesis of the 159th Verse of Surah an-Nisā' and Its Relation to the Return of Prophet Jesus (PBUH). *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 83-97. Doi: 10.22091/PTT.2020.3005.1405





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سوره نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)

سعید توسلی خواه* | دکتر ابراهیم ایزدخواه**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۳

چکیده

در برخی روایات مربوط به عصر ظهور امام مهدی (عج)، به بازگشت حضرت عیسی (ع) و یاری امام مهدی (عج) توسط ایشان اشاره شده است. در این باره سؤالی مطرح می‌شود مبنی بر این که آیا در قرآن کریم نیز سخنی از این موضوع به میان آمده است یا خیر؟ یکی از آیاتی که به بازگشت عیسی مسیح (ع) اشاره دارد، آیه ۱۵۹ سوره نساء است که می‌فرماید: «وَرَأَى مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا». در این مقاله، به بررسی و تحلیل تفاسیر فریقین درباره این آیه شریفه می‌پردازیم. البته در تفسیر این آیه، اختلافاتی بین مفسران شیعه و سنی وجود دارد که اساس این اختلافات به تفسیر ضمیر «هاء» در «موت» برمی‌گردد. تعدادی از مفسران اهل سنت، مرجع ضمیر «هاء» را اهل کتاب دانسته، معتقدند که یکایک اهل کتاب قبل از مرگ خود به حضرت عیسی (ع) ایمان می‌آورند؛ درحالی که مفسران شیعه، مرجع ضمیر مزبور را حضرت عیسی (ع) می‌دانند و معتقدند که آیه مزبور به بازگشت ایشان در دوران ظهور حضرت مهدی (عج) و روشن شدن حقایق برای اهل کتاب اشاره دارد. با نقد و بررسی ادله و شواهد هر دو گروه، به این نتیجه می‌رسیم که مرجع ضمیر «هاء» حضرت عیسی (ع) می‌باشد و منظور، ایمان آوردن اهل کتاب، بعد از ظهور حضرت مهدی (عج) و قبل از مرگ حضرت عیسی (ع) است.



کلیدواژگان: بازگشت حضرت عیسی (ع)، امام مهدی (عج)، عصر ظهور، اهل کتاب، آیه ۱۵۹ سوره نساء، «لیؤمنن به»، «قبل موت».

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشگاه قم، ایران - قم (نویسنده مسئول) | saeedtavasoli@chmail.ir

** استادیار گروه معارف دانشگاه قم، ایران - قم | dr_izadkhah@yahoo.com

مقدمه

از نظر همه دانشمندان اسلامی، این که حضرت عیسی (ع)، هنگام قیام امام مهدی (عج) از آسمان به زمین فرود می‌آید - چرا که طبق آیات قرآن، برای نجات از شر دشمنان به آسمان عروج کرده بود - موضوعی مسلم و واقعیتی قطعی است و همگان آن را پذیرفته‌اند؛ علاوه بر این، نزول آن پیامبر عظیم‌الشان الهی به عنوان یاری‌دهنده حضرت مهدی (عج) در قیام علیه باطل و تلاش برای سرنگونی قدرت‌های استکباری و شیطانی جهان، و نیز اقتدای ایشان در نماز به حضرت مهدی (عج) و فراخواندن جهانیان، به‌ویژه مسیحیان، به پیروی از منجی بشریت نیز جزء عقاید حقه هستند و نشان می‌دهند که عیسی مسیح (ع) نقش عمده‌ای در پیشبرد اهداف آخرین ذخیره الهی خواهد داشت. این موضوعات موجب برقراری ارتباط نزدیکی میان نزول حضرت عیسی (ع) و ظهور حضرت مهدی (عج) شده است.

از جمله آیاتی که به موضوع ارتباط نزول حضرت عیسی (ع) و ظهور حضرت مهدی (عج) اشاره دارد آیه ۱۵۹ سوره نساء است: «وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا». خداوند از آیه ۱۵۲ سوره نساء به بعد، به موضوع یهود می‌پردازد و با اشاره به درخواست اهل کتاب برای نزول یک‌باره کتاب آسمانی، درخواست عجیب قوم یهود از حضرت موسی (ع) را به آن‌ها یادآور می‌شود. بنی اسرائیل از حضرت موسی (ع) خواسته بودند که خداوند را به صورت آشکار به آن‌ها نشان دهد. قرآن کریم به عهد شکنی‌ها و گناهان یهود نیز اشاره کرده و از کفر و رزیدنشان به آیات خدا و پیامبر کشی آن‌ها و این که به حضرت مریم تهمت ناروا زدند و نیز ادعا کردند که حضرت عیسی (ع) را کشته‌اند، به بدی یاد نموده است:

«فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بَغْيًا حَقًّا وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا * وَبَكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا * وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ...»؛ «پس به کفر پیمان شکنی آنان و کفرشان به آیات خدا و به ناحق کشتن پیامبران و گفتار [بی‌پایه و باطل] شان که دل‌های ما در پوشش و حجاب است [از این رو سخن حق را درک نمی‌کنیم، لعنتشان کردیم؛ بلکه به سبب کفرشان بر دل‌هایشان مهر [محرومیت از فهم معارف] زدیم؛ به همین سبب جز اندکی ایمان نمی‌آورند. [هم‌چنین] به سبب کفرشان [به نبوت عیسی] و گفتارشان بر مریم [پاک‌دامن و آراسته به عفت]

که افترا و بهتان بزرگی بود [لعنتشان کردیم]. علاوه بر آن، به سبب گفتار [سراسر دروغ] شان که ما عیسی بن مریم، فرستاده خدا را کشتیم [لعنتشان نمودیم]...» (نساء: ۱۵۵ - ۱۵۷).

تأکید خداوند به پیامبر گرامی اسلام (ص) در آیات مزبور این است که ما به سبب کفر ورزیدن‌ها و لجاجت‌های بنی اسرائیل، بر دل‌های آنان مهر زدیم و جز اندکی ایمان نمی‌آورند. هم‌چنین در ادامه بیان می‌دارد:

«...وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا * بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ...» «...در صورتی که او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه بر آنان مُشَبَّه شد [به این علت، شخصی را به گمان این که عیسی است به دار آویختند و کشتند]؛ و کسانی که درباره او اختلاف کردند، نسبت به وضع و حال او در شک هستند و جز پیروی از گمان و وهم، هیچ آگاهی و علمی به آن ندارند و به یقین او را نکشتند، بلکه خدا او را به سوی خود بالا بُرد...» (نساء: ۱۵۷ و ۱۵۸).

به دنبال آن، خداوند در آیه ۱۵۹ این سوره، به ایمان آوردن اهل کتاب به حضرت عیسی (ع) این گونه اشاره می‌کند:

«وَأَنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا*» «هیچ یک از اهل کتاب نیست مگر آن که پیش از مرگش [که لحظه روشن شدن حقایق است] به مسیح ایمان می‌آورد [که او فرستاده خدا، بنده او و مژده‌دهنده به ظهور پیامبر اسلام است؛ ولی ایمان در آن لحظه سودبخش نیست] و مسیح روز قیامت بر [عقاید و اعمال] آنان گواه است». زمان ایمان آوردن اهل کتاب به حضرت عیسی (ع)، در این آیه قابل تأمل و بررسی است؛ بدین معنا که آیا ایمان اهل کتاب قبل از مرگ ایشان است یا قبل از مرگ حضرت عیسی (ع)؟

پیشینه تحقیق

تاکنون مقالاتی در زمینه تفسیر تطبیقی آیات مهدوی منتشر شده، ولی تحقیق مستقلی در خصوص آیه شریفه مورد بحث، صورت نگرفته است؛ هرچند در نوشتارهای مختلف، به مناسبت به آسمان رفتن و رجعت حضرت عیسی (ع)، به این آیه شریفه اشاره شده و مطالبی بیان گردیده است. مقاله «اجل یهود؛ پایان دنیا یا رجعت عیسی»، نوشته علی رضایی کهنمویی

که در شماره ۲۲ مجله مشرق موعود به چاپ رسیده، به این آیه اشاراتی نموده، اما نویسنده، رویکرد تطبیقی را در این مقاله طی نکرده است. هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی-تطبیقی آیه رفع عیسی از دیدگاه فریقین» که در شماره اول مجله مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث به چاپ رسیده، در ضمن بررسی آیه ۵۵ سوره آل عمران، این آیه شریفه را نیز به طور گذرا بررسی کرده است.

مقصود از اهل کتاب

در این که منظور از اهل کتاب در این آیات چه کسانی هستند، دو احتمال بیان شده است:

۱. منظور یهود است. این قول را ابن جوزی در تفسیر خود از ابن عباس نقل می‌کند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۹۶)؛
۲. منظور یهود و نصارا هستند. ابن جوزی این قول را به حسن و عکرمه نسبت داده است. (همان)

اغلب مفسران به نقد و بررسی معنای اهل کتاب در این آیات پرداخته و تنها به نقل اقوال اکتفا کرده‌اند؛ با این حال، جمهور مفسران شیعه و سنی قول دوم را پذیرفته‌اند. علامه طباطبایی نیز در *المیزان*، با اشاره به این که معهود از اصطلاح اهل کتاب در قرآن هر دوی یهود و نصارا هستند، به تبیین این مطلب می‌پردازد:

«منظور از اهل کتاب، یهود و نصارا است؛ چون معهود در اصطلاح قرآن در امثال این موارد همین است. پس سائل هر دو طایفه بوده‌اند نه تنها یهودیان و این منافات ندارد که مظالم و جنایاتی که در ضمن این آیات شمرده شده، مختص به یهود باشد؛ از قبیل درخواست دیدن خدا و معبود گرفتن گوساله و نقض پیمان در هنگام بالا رفتن طور و امر به سجده و نهی از تجاوز در روز شنبه و غیره؛ برای این که مرجع هر دو طایفه یک اصل است و ریشه یهود و نصارا، همان نژاد اسرائیل است که موسی و عیسی علیهما السلام در بین آنان مبعوث شدند، هر چند که دعوت عیسی بعد از رفتنش به آسمان در غیر بنی اسرائیل یعنی در روم و عرب و حبشه و دیگران انتشار یافت. علاوه بر این که ظلم قوم عیسی به عیسی، کم‌تر از ظلم یهود به موسی (ع) نبود و چون ریشه هر دو طایفه یکی بود، یهودیان را در خصوص

جزای خود آنان مورد خطاب قرار داده، فرمود: **فَظَلَمَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ** * (نساء: ۱۶۰)؛ و باز به همین جهت در سه آیه بعد، نام عیسی را در زمره رسولانی که نام برده، آورده و اگر روی سخن متوجه یهود به تنهایی بود، دیگر بردن نام عیسی معنا نداشت؛ زیرا یهود عیسی (ع) را قبول نداشت و باز به همین جهت بعد از آیات مورد بحث، در آیه ۱۷۰ خطاب را متوجه عموم اهل کتاب نموده، می فرماید: *** يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ...** *؛ پس، از همه قرائن می فهمیم که آیات مورد بحث، سخن از عموم اهل کتاب دارد نه از خصوص یهود؛ در نتیجه صاحب سؤال در جمله **«يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ»** نیز عموم اهل کتاب است نه تنها یهود و این عمومیت به دلیل معایب مشترک اهل کتاب یعنی زورگویی و ناحق گویی و لاف های گزاف و پابند نبودن به عهد و پیمان هم چنان باقی است و همین که پای مختصات قوم معینی به میان آمد، وجهه کلام متوجه آن قوم می شود». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۲۹)

موضوع اصلی مورد بحث

در تفسیر آیه مورد بحث، ضمیر «هاء» در **«لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ»** و «موتنه»، نقش اساسی و تعیین کننده دارد؛ مفسران نیز برای آن، احتمالات و دلایل و روایات مختلفی را مطرح کرده اند.

الف) دیدگاه اهل سنت

۱. بیان دیدگاه ها در مرجع ضمیر «هاء» در **«لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ»**

مفسران اهل سنت دو احتمال را بیان کرده اند:

۱-۱- مرجع ضمیر، حضرت عیسی (ع) است. ابن جوزی این قول را از ابن عباس نقل می کند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۹۶) که اغلب تفاسیر اهل سنت نیز همین نظر را اخذ کرده اند.

۲-۱- مرجع ضمیر، پیامبر گرامی اسلام (ص) است. ثعالبی در تفسیر خود (جوهر الحسن) به نقل از عکرمه، این حدیث را از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل می کند: **«وَلَيْسَ يَخْرُجُ يَهُودِيٌّ وَلَا نَصْرَانِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُؤْمِنَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَلَوْ غَرِقَ أَوْ سَقَطَ عَلَيْهِ جِدَارٌ، فَإِنَّهُ يُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؛ هِيَ يَهُودِيٌّ وَنَصْرَانِيٌّ أَيْ نِيْسْت وَاز دُنْيَا نَمِي رُود تَا اَيْنَ كِه بَه مُحَمَّد**

ایمان بیاورد؛ حتی اگر غرق شود یا از بلندی سقوط کند» (ثعالی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۳۲۷). البته تفسیر غرائب القرآن این قول را شاذ دانسته است. (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۲) نتیجه آن که بنابر نظر اغلب مفسران اهل سنت، ضمیر «هاء» در «لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ»، به حضرت عیسی (ع) بازگشت می‌کند نه به پیامبر گرامی اسلام (ص). بر این اساس، آیه شریفه بیان می‌کند که به تحقیق همه اهل کتاب به حضرت عیسی (ع) ایمان خواهند آورد.

۲. بیان دیدگاه‌ها در مرجع ضمیر «هاء» در «قبل موته»

مفسران اهل سنت دو احتمال درباره مرجع ضمیر «هاء» در «قبل موته» بیان کرده‌اند: ۱-۲- ایمان اهل کتاب قبل از موتشان: برخی از مفسران اهل سنت، معتقدند که مقصود، اهل کتاب هستند؛ با این توضیح که در این آیه واژه «إن» نافی است و معنای «نیست» دارد. هم‌چنین در عبارت «مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ»، کلمه «أحد» به‌عنوان مبتدا در تقدیر و مرجع ضمیر در «موته» همان مبتدای مقدر است. بر این اساس، معنای آیه این گونه است که هر شخصی از اهل کتاب قبل از وفاتش، به حضرت عیسی (ع) ایمان می‌آورد؛ یعنی قبل از مرگ، این حقیقت برایش آشکار می‌گردد که حضرت عیسی رسول خداست.

این نظر در تفاسیر غرائب القرآن (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۲۸)، الجلالین (محلّی و سیوطی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۰۶)، الوسيط (طنطاوی، بی تا، ج ۳، ص ۳۸۴)، روح البیان (حقّی بروسوی، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۱)، روح المعانی (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۳) و التحریر و التنویر (ابن عاشور، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۹) مطرح شده است. این مفسران در تأیید نظر خود، عمدتاً سه شاهد و دلیل را مطرح می‌کنند:

اول: نظر ابن عباس بنابر نقل سعید بن جبیر و عکرمه که این نظر را داشته‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۹۶)؛

دوم: ابی بن کعب «قبل موتهم» قرائت کرده است. این قرائت هماهنگ با همین نظر است (ابن عاشور، بی تا، ج ۴، ص ۳۰۹): «قالوا: و يؤيد هذا التأويل قراءة أبي: إلا ليؤمنن به قبل موتهم» (زحیلی، ۱۴۲۲ق، ج ۳، ص ۳۸۴)؛

سوم: روایتی از شهر بن حوشب که ابن منذر آن را این گونه نقل می‌کند:

«روزی حجاج به من گفت: "ای شهر، آیه‌ای از قرآن است که هر گاه قرائت می‌کنم نسبت به آن حیران می‌شوم؛ قال الله تعالى: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾». "او در ادامه می‌گوید: "اسیران (از اهل کتاب) را نزد من می‌آورند و گردن آن‌ها را می‌زنم در حالی که هیچ کلمه‌ای از آن‌ها نمی‌شنوم". گفتم: آیه را اشتباه فهمیدی! همانا ملائکه، نصرانی‌ای را که نزدیک است روح از بدنش خارج شود، از جلو و عقب می‌زنند و به او می‌گویند: "ای خبیث، مسیح را که خدا انگاشتی و او را پسر خدا و سومین از خدای سه گانه دانستی، بنده خدا، روح خدا، کلمه الله است". در این حال نصرانی ایمان می‌آورد؛ ولی ایمان سودی به حالش ندارد. هم‌چنین یهودی هنگام خروج نفس مورد ضرب ملائکه قرار می‌گیرد و به او می‌گویند: "ای خبیث، مسیح را که گمان کردید کشته‌اید همانا روح الله و عبدالله است". در این حال به عیسی ایمان می‌آورند در حالی که ایمان به حال آنان سودی ندارد و هنگام نزول عیسی از آسمان، همان گونه که مرد گانشان ایمان آوردند، زندگان آن‌ها نیز ایمان می‌آورند. حجاج پرسید: "از کجا این را می‌گویی؟" گفتم: از محمد بن علی. گفت: "از معدن علم بیان کردی".»

شهر می‌گوید: «به خدا قسم این را فقط از ام سلمه شنیده بودم، ولی دوست داشتم حجاج را به خشم آورم!» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۸)

۲-۲- ایمان اهل کتاب قبل از وفات حضرت عیسی (ع). در مقابل دیدگاه قبل، تعداد زیادی از مفسران متقدم، بر این نظر تأکید داشته‌اند. طبری با نقل پانزده روایت از مفسران صدر اسلام، به این معنا تأکید می‌کند که این آیه به زمان نزول حضرت عیسی (ع) اشاره دارد و همه اهل کتاب در آن هنگام به ایشان ایمان می‌آورند.

ابن بشار به نقل از ابن عباس بیان می‌دارد که در آیه مذکور، مقصود از «قبل موته»، قبل از مرگ حضرت عیسی (ع) است. ابن وکیع نیز به همین سلسله سند، این تفسیر را از ابن عباس نقل کرده است. یعقوب بن ابراهیم نیز از ابی مالک نقل کرده که آیه به نزول عیسی (ع) اشاره دارد و در آن زمان همه اهل کتاب به ایشان ایمان می‌آورند. هم‌چنین یعقوب به نقل از حسن بیان داشته که «قبل موته یعنی قبل موت عیسی؛ به خدا قسم! در حال حاضر او نزد خداوند زنده است، ولی هنگامی که نزول می‌کند همه به او ایمان می‌آورند».

طبری در ادامه به سه طریق از قتاده نقل می‌کند که منظور از «قبل موته»، پیش از مرگ حضرت عیسی (ع) و هنگامی است که از آسمان نزول می‌کند. طبری هم‌چنین این تفسیر را به پنج طریق حدیثی از حسن و چهار طریق از ابی‌مالک نقل کرده است. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۱۴)

ب) دیدگاه شیعه

۱. بیان دیدگاه‌ها در مرجع ضمیر «هاء» در «لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ»

مفسران شیعه دو احتمال را بیان کرده‌اند:

۱- حضرت عیسی (ع)؛ اغلب مفسران شیعه بر این عقیده هستند که مقصود «هاء» در «لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ» حضرت عیسی (ع) است. آن‌ها دلیل این باور را سیاق آیات می‌دانند که مربوط به ایشان است. برای مثال، تفسیر احسن الحدیث (ج ۲، ص ۴۸۸)، تفسیر المیزان (ج ۵، ص ۱۳۴)، تفسیر نمونه (ج ۴، ص ۲۰۴) و تفسیر جوامع الجامع (ج ۱، ص ۳۰۲) بعد از این که اقوال مختلفی را مطرح کرده‌اند، این قول را برگزیده‌اند.

۲- پیامبر گرامی اسلام (ص)؛ برخی مفسران شیعه، پیامبر گرامی اسلام (ص) را مرجع ضمیر «هاء» در عبارت مزبور می‌دانند. فیض کاشانی در تفسیر صافی ذیل آیه مذکور، روایاتی را از معصومین (ع) نقل می‌کند که ایمان اهل کتاب فقط در زمانی است که به نبوت محمد (ص) ایمان بیاورند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۱)

طبرسی در تفسیر مجمع البیان، این دیدگاه را به‌عنوان یک قول ضعیف مطرح کرده است. او ضعف این نظر را به این دلیل می‌داند که در این آیات، نامی از حضرت محمد (ص) به میان نیامده است:

«وقیل: الضمیر فی «بِهِ» یرجع إلی محمد صلی الله علیه و آله». (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۲۱۲)

به نظر می‌رسد روایات تاییدکننده این قول را باید از باب جری و تطبیق دانست؛ چرا که در این آیات، هیچ اشاره و گفت‌وگویی از پیامبر گرامی اسلام (ص) وجود ندارد؛ هم‌چنان که علامه طباطبایی این روایات را مطرح کرده و ضمن این که آن‌ها را از مصادیق جری و تطبیق دانسته، این امکان را مطرح می‌کند که این روایات تقطیع شده باشند. ایشان در این باره می‌نویسند:

«ظهور این روایت در این که می خواهد یکی از مصادیق را بر کلی خود تطبیق کند، بیش تر است. علاوه بر این که اصلاً معلوم نیست که منظور امام این بوده باشد که آیه را تفسیر و یا حتی تطبیق کند؛ چون احتمال دارد این گفتار امام دنباله کلام دیگری بوده که امام پیرامون آیه ایراد فرموده و نظایر این (تکه تکه شدن روایات) بسیار است». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۳۷)

۲. بیان دیدگاه ها در مرجع ضمیر «هاء» در «مونه»

مفسران شیعه در این باره به دو نظری که در تفاسیر اهل سنت مطرح شد، اشاره کرده اند. بعضی هم چون جوامع الجامع (ج ۱، ص ۳۰۲) تلویحاً نظر اول را پذیرفته اند؛ بعضی از مفسران نیز به بیان نظریات مختلف اکتفا کرده و انتخاب موضع ننموده اند؛ مانند مجمع البیان (ج ۳، ص ۲۱۱)، تیان (ج ۳، ص ۳۸۷) و تفسیر نمونه (ج ۴، ص ۲۰۳)؛ ولی اغلب مفسرانی که در این زمینه اظهار نظر داشته اند، نظر دوم را پذیرفته و مقصود از ضمیر را حضرت عیسی (ع) دانسته اند؛ از جمله این تفاسیر می توان تفسیر القمی (ج ۱، ص ۱۵۸)، صافی (ج ۱، ص ۵۱۹)، الفرقان (ج ۷، ص ۴۳۹) و المیزان (ج ۵، ص ۱۳۶) را نام برد.

یکی از شواهد مفسران شیعه در تأیید این نظر، روایت شهر بن حوشب است؛ البته با مضمونی متفاوت از آنچه در منابع اهل سنت بیان شده است. علی بن ابراهیم در تفسیرش این روایت را با سلسله سند خود از شهر بن حوشب نقل کرده است:

«حجاج بن یوسف می گفت: "آیه *وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ...* مرا حیران کرده است. من به قتل یهودیان و مسیحیان، فرمان می دهم؛ هنگامی که می خواهند گردن آنها را بزنند، هر چه انتظار می کشم، چیزی در این خصوص از آنها نمی شنوم، حتی لبها را هم حرکت نمی دهند!" گفتم: خداوند امیر را اصلاح کند! معنای آیه این نیست. پرسید: "چیست؟" گفتم: عیسی بن مریم پیش از قیامت به دنیا خواهد آمد و پشت سر حضرت مهدی نماز خواهد خواند. گفت: "وای بر تو، این را از کجا می گویی؟" گفتم: امام باقر (ع) برای من حدیث کرده است. گفت: "به خدا این مطلب را از چشمه ای زلال آورده ای!"

بعضی از شهر بن حوشب پرسیدند: «مقصودت از بیان این مطلب چه بود؟»

گفت: «می خواستم او را به خشم آورم!» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۱۵۸)

نقد و بررسی دیدگاه‌ها و ادله

در ادامه، به نقد ادله و شواهد قولی که مرجع ضمیر «هاء» در «موت» را اهل کتاب می‌دانند می‌پردازیم:

۱. نقل اهل سنت از روایت ابن حوشب که دلالت بر این داشت که منظور از «قبل موت» پیش از مرگ اهل کتاب است، دچار تشویش است. اول آن که ابن حوشب به حجاج می‌گوید: "تو آیه را اشتباه فهمیدی"؛ در حالی که تصویری از آیه ترسیم می‌کند که در تقابل با تصور حجاج از آیه مزبور نیست. ولی در نقل شیعه، تقابل نظر ابن حوشب و حجاج به وضوح دیده می‌شود.

۲. علامه صادقی تهرانی در این که این ضمیر نمی‌تواند به اهل کتاب رجوع کند، ده وجه را ذکر می‌کند؛ از جمله این که در عالم واقع، شاهدی بر ایمان آوردن هنگام مرگ اهل کتاب وجود ندارد و کسی آن را ندیده است. هم‌چنین عدم تناسب ضمیر مفرد به اهل کتاب که اسم جمع است، خود دلیل محکمی است بر آن که این ضمیر نمی‌تواند به اهل کتاب بازگردد. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش، ج ۷، ص ۴۳۹)

۳. در این آیات همه ضمیرهای مفرد قبل و بعد، اعم از «قتلوه»، «صلبوه»، «شبه»، «فیه»، «منه»، «رفعه»، «به» و نیز «یکون»، به حضرت عیسی (ع) رجوع می‌کنند. آشکار است که تخلف از این هماهنگی امری بی‌دلیل است.

۴. یکی دیگر از شواهد کسانی که مرجع ضمیر مزبور را اهل کتاب می‌دانند، استشهاد به عمومیت آیه است. این وجه نیز درست نیست؛ زیرا استغراق آیه به این معنا که یکایک اهل کتاب قبل از مرگشان به عیسی (ع) ایمان می‌آورند، مستلزم این است که یهودیان قبل از به صلیب کشیدن عیسی (به زعم خود) و حتی قبل از بعثت عیسی (ع) را نیز شامل شود، درحالی که بطلان این تصور واضح است.

۵. به دلیل گفتار آیه قبل که کشته شدن عیسی را نفی می‌کند، این آیه نیز مناسب است که در صدد بیان تداوم حیات حضرت عیسی (ع) باشد. این مطلب با قول به بازگشت ضمیر «هاء» در «موت» به حضرت عیسی سازگار است. علامه طباطبائی نیز با اشاره به این نکته می‌فرماید:

«مناسب‌تر آن به نظر می‌رسد که آیه مورد بحث در مقام بیان نمردن عیسی باشد و بخواهد بفرماید که او هنوز زنده است؛ چون اگر این غرض در بین نمی‌بود، هیچ غرض دیگری به ذهن نمی‌رسد که احتمال دهیم به خاطر آن غرض، مسأله ایمان اضطراری آنان و شهادت آن جناب بر آنان را ذکر کرده است». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۳۵)

خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «او (حضرت عیسی (ع))، در روز قیامت بر آنها شاهد خواهد بود»؛ از طرفی در آیه شریفه ۱۱۷ سوره مائده، این شهادت را منحصر به زمان حیات حضرت عیسی (ع) بیان کرده، می‌فرماید:

«مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»؛ «[خداوند] جز آن‌چه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم، [تنها گفته‌ام] که خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم؛ پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی و تو بر هر چیز گواهی».

بر این اساس، این حقیقت آشکار می‌گردد که حضرت عیسی (ع) هم‌چنان زنده است و بعد از اهل کتاب از دنیا خواهد رفت؛ یعنی ایشان زنده است تا بتواند بر همه اهل کتاب شهادت دهد. این حقیقت با آن‌چه شیعه بر اساس روایت ابن حوشب نقل می‌کند نیز سازگار است.

نتیجه

بر اساس آن‌چه گفته شد، هردو ضمیر «هاء» در «لِیُؤْمِنَ بِهِ» و «موتَه»، به حضرت عیسی (ع) بازمی‌گردد. در نتیجه، آیه شریفه اشاره به حیات ایشان دارد. با استفاده از روایت مذکور نیز معلوم می‌شود که ایمان آوردن اهل کتاب مربوط به دوران بازگشت ایشان در زمان حضرت مهدی (ع) است. در آن زمان یهودیان زنده بودن ایشان را بعینه می‌بینند و نصارا نیز ایمانی خالی از شرک را تجربه می‌کنند. در نهایت نیز اهل کتاب با دیدن این که حضرت عیسی (ع) نماز را پشت سر حضرت مهدی (ع) اقامه می‌کند، به دین اسلام ایمان می‌آورند. با این توضیح، تکلیف روایاتی که ضمیر «هاء» در «لِیُؤْمِنَ بِهِ» را به حضرت محمد (ص) تأویل می‌کردند نیز روشن می‌گردد.

فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۱، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحریر و التنویر، ج ۴، بی‌جا، بی‌تا.
۳. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵.
۴. ثعالبی، عبدالرحمان بن محمد، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸.
۵. حقی بروسوی، اسماعیل، روح البیان، ج ۲، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۶. زحیلی، وهبة بن مصطفى، تفسیر الوسیط، ج ۳، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۲.
۷. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، ج ۷، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۱۰. -----، جوامع الجامع، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.
۱۱. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، بیروت، بی‌جا، ۱۴۱۲.
۱۲. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ج ۳، نرم افزار جامع التفسیر، بی‌تا.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۱۴. فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، تهران: انتشارات الصدر، ۱۴۱۵.
۱۵. قرشی، سید علی اکبر، احسن الحدیث، ج ۲، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۱۶. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۱، قم: دارالکتب، ۱۳۶۷.
۱۷. محلی، جلال الدین و جلال الدین سیوطی، تفسیر الجلالین، ج ۱، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات، ۱۴۱۶.
۱۸. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶.

Bibliography

The Noble Qur'an.

Other References

- Ālousi, Seyyed Mahmoud, *Rouh al-Ma'āni fi Tafsir al-Qur'ān al-'Azim*, Vol. 3, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1415 A.H.
- Feyz Kāshāni, Mollā Mohsen, *Tafsir al-Sāfi*, Vol. 1, Tehran: al-Sadr, 1415 A.H.
- Haqqi Borsevi, Ismā'il Ibn Mostafā, *Rouh al-Bayān*, Vol. 2, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Ibn 'Ashour, Mohammad Ibn Tāher, *al-Tahrir va al-Tanwir*, Vol. 4, N.P: N.D.
- Ibn Jozay, Abolfaraj 'Abd al-Rahmān Ibn 'Ali, *Zād al-Masir fi 'Elm al-Tafsir*, Vol. 1, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi, 1422 A.H.
- Mahalli, Jalāl al-Din & Soyouti, Jalāl al-Din, *Tafsir al-Jalālin*, Vol. 1, Beirut: al-Nour Iel-Matbou'āt Institute, 1416 A.H.

- Neyshābouri, Nezām al-Din Hasan Ibn Mohammad, *Gharā'eb al-Qur'ān va Raghā'eb al-Forqān*, Vol. 2, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1416 A.H.
- Qarshi, Seyyed 'Ali Akbar, *Ahsan al-Hadith*, Vol. 2, Tehran: Be'that, 1377 S.H.
- Qomi, 'Ali Ibn Ibrāhim, *Tafsir al-Qomi*, Vol. 1, Qom: Dār al-Ketāb, 1367 S.H.
- Sādeqi Tehrāni, Mohammad, *al-Forqān fi Tafsir al-Qur'ān bel-Qur'ān*, Vol. 7, Qom: Farhang-e Islāmi, 1365 S.H.
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir, *Jāme' al-Bayān fi Tafsir al-Qur'ān*, Vol. 6, Beirut: N.P, 1412 A.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Jawāme' al-Jāme'*, Vol. 1, Tehran: Tehran University and Qom Howzeh 'Elmiah Publication, 1377 S.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Majma' al-Bayān fi Tafsir al-Qur'ān*, Vol. 3, Tehran: Nāser Khosrow, 1372 S.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *Tafsir al-Mizān*, Vol. 5, Qom: Islamic Publication of Jāme'ah Modarresin Howza 'Elmia Qom, 1417 A.H.
- Tantāvi, Seyyed Mohammad, *al-Tafsir al-Vasit lel-Qur'ān al-Karim*, Vol. 3, Jāme' al-Tafāsir Software, N.D.
- Tha'ālabi, 'Abd al-Rahmān, Ibn Mohammad, *Jawāher al-Ihsān fir Tafsir al-Qur'ān*, Vol. 2, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1418 A.H.
- Tousi, Mohammad Ibn Hasan, *al-Tebyān fi Tafsir al-Qur'ān*, Vol. 3, Beirut: Dār Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, N.D.
- Zohayli, Vahbah Ibn Mostafā, *Tafsir al-Vasit*, Vol. 3, Damascus: Dār al-Fekr, 1422 A.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱... بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ..
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سورة نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از نائبرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَقْلُوبُوا يٰۤاٰیْدِيْكُمْ اِلٰی التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست های مسلمان و فمینیست های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هٰذَا رَجِی» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سورة انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیانفر | سید محمود طیب حسینی

